

# علامه طباطبایی: مفسر بزرگ شیعه

نشر دانش ضمن عرض تسلیت به امام و امت، به منظور بزرگداشت یاد آن مرحوم ترجمه‌ای از احوال ایشان را همراه با مقاله‌ای درباره تفسیر معروف المیزان در این شماره درج می‌کند. این ترجمه که در زمان حیات علامه توسط جناب حجت الاسلام آقای حسن حسن زاده آملی نوشته شده است، قبلاً بطور کامل توسط دفتر فرهنگی جهاد مجتمع فنی و مهندسی در تهران تکثیر شده است و ما در اینجا گزیده‌ای از آن را تیمناً نقل می‌کنیم. در این زندگینامه، استاد آملی بسیاری از خاطراتی را که با استاد داشته نقل کرده است. مقاله «درباره تفسیر المیزان» نگاهی است اجمالی به اثری بزرگ، و نویسنده آن محققاً مدعی آن نیست که در این مقاله حق این اثر بزرگ را ادا کرده باشد. در حقیقت کتاب و کتابهایی باید تا بتوان این اثر بزرگ، و همچنین سایر آثار آن استاد را، آن چنان که شاید معرفی کرد، ولیکن:

آب دریا را اگر نتوان کشید

هم به قدر تشنگی باید چشید

نشر دانش

به خون خود آغشته و رفته‌اند  
چه گل‌های رنگین به جوبارها

در هجدهم محرم (بیست و چهارم آبان ماه) امسال، ملت ایران و بطور کلی جهان شیعه، عزیزی را از دست داد که افتخار اسلام و بخصوص عالم تشیع بود. استاد بزرگوار علامه سید محمد حسین طباطبایی - رضوان الله علیه - یکی از بزرگترین حکما و فلاسفه و عرفا و مفسران اسلام در قرن حاضر بود که از برکت انقباس قدسی خود نه تنها دل‌های شاگردان و مریدان خود بلکه همه کسانی را که با آثار او آشنایی داشتند زنده نگهداشته بود. استاد علامه که سالها در قم و سایر بلاد ایران به تدریس حکمت، فلسفه، تفسیر و سایر علوم اسلامی اشتغال داشت از نظر بسیاری کسان که با نام و آثار او آشنایی دارند، به عنوان یک مفسر و حکیم عارف شناخته شده است. آن مرحوم نه تنها در علوم معقول بلکه در منقول نیز از نوادر روزگار بود و بسیاری از بزرگان عصر ما قول مشارالیه را از این حیث مورد اعتماد می‌دانند و در واقع آثار وی از جمله منابع موثق اسلامی و معارف شیعی است.

## ترجمه‌ای از احوال علامه طباطبایی

حسن حسن زاده آملی

از این کمترین خوشه چین خرمن اقبال بزرگان، حسن حسن زاده آملی، شرح زندگی سراسر سعادت بقیه الماضین و ثمال الباقین، ایت علم و دین، مفسر کبیر، فیلسوف الهی، عارف ربانی، فقیه صمدانی، فخر اسلام، استاد اکبر، حضرت علامه حاج سید محمد حسین طباطبایی، متع الله الاسلام والمسلمین بطول بقائه الشریف را خواسته‌اید.

با اینکه انجام دادن چنین امر خطیر به شایستگی، از عهده این حقیر خارج است که نه به پارسی نغز یارا است و نه به عربی مبین توانا. با قلم شکسته در فصاحت سبحان چه تواند بنگارد؟ مع الوصف عدم امتثال را مروت ندیدم و با بضاعت مزجات

شیمه ای از آنچه که به سالیانی دراز در روضه رضوان محضر انس و قدس آن قدیس قدوسی، و محفل درس و بحث آن معلم ربانی، در دفتر خاطرات ضبط کرده ایم و گفتنی است تقدیم می‌داریم، و بدون تصنع و تکلف در انشاء، کلك را به رفتار ساده اش واگذار، و به اختیارش رهسپار می‌کنیم. بسم الله مجریها و مُرسیها

يك دهان خواهم به پهنای فلك تا بگویم وصف ان ريشك ملك  
وردهان یابم چنین و صد چنین تنگ آید در بیان آن امین  
این قدر هم گر نگویم ای سند شیشه دل از ضعیفی بشکند

در پیرامون این گونه مردان بزرگ که فوق زمان و مکان و از نوابع دهرند، از چندین بُعد باید سخن به میان آورد که کوتاهترین آن ابعاد بُعد زمان و مکان و شرح نحوه تعیش و معاش آنان است. و در این بعد مادی سخن گفتن دور از شأن آن ارواح عرشی است، در این قسمت به همین گفتار حافظ شیرین سخن اکتفا می‌کنیم:

فلك به مردم نادان دهد زمام مراد

تو اهل دانش و فضلی همین گناهت بس

### تفسیر قرآن

آثار هر کس نمودار دارایی او است. بهترین معرف آن جناب سیر و سلوک انسانی، و آثار علمی از تدریس و تألیف او است. افاضل حوزه علمیه قم که شاغل کرسی تدریس اصول معارف حقّه جعفریه اند از تلامذه اویند، و تفسیر عظیم الشان المیزان که عالم علم را مایه فخر و مباهات است یکی از آثار نفیس قلمی و ام کتاب مؤلفات او است.

امام الكل في الكل امير المؤمنين علي عليه السلام در وصف قرآن فرمود: كتاب الله... ينطق بعضه ببعض ويشهد بعضه على بعض، (خطبه ۱۳۱ نهج البلاغه)، بلکه خود قرآن کریم در وصف خود می‌فرماید: و نزلنا عليك الكتاب تبياناً لكل شيء (نحل، ۹۰)، الله نزل احسن الحديث كتاباً متشابهاً مثاني (زمر، ۲۶)، و لقد آتيناك سبعاً من المثاني والقران العظيم (حجر، ۸۸).

معنی مثانی همان است که امیر علیه السلام فرمود: کتاب الله ينطق بعضه ببعض ويشهد بعضه على بعض. چه مثانی جمع متنیه اسم مفعول از تثنی بمعنی عطف ولوی یعنی پیچیدن و برگشتن است. مثلاً رودخانه که در بعضی از جاهای مسیرش پیچ می‌خورد و دور می‌زند و بر می‌گردد، آن جاها مثانی او است که به سبب این انعطاف قسمت قبل از پیچ رودخانه و قسمت بعد از پیچ آن ناظر یکدیگرند. آیات قرآنی هم با هم اینچنین اند که ناظر یکدیگرند یعنی بیان و زبان یکدیگرند. در منتهی الأرب گوید: تثنی بالكسر:

گشت وادی و گشت کوه. این خلاصه مضمونی از تحقیق رشیق جناب استاد روحی فدا در تفسیر کبیر المیزان در بیان مثانی است. به همین مبنی متین، قرآن کریم را به زبان قرآن کریم تفسیر فرموده است و در آغاز تفسیر به این نکته علیا اشارتی فرمود که خلاصه مفادش این است: حاشا که قرآن نور و تبیان کل شیء باشد و تبیان نفس خود نباشد. این تفسیر شهر حکمت و مدینه فاضله ای است که در آن از بهترین و بلندترین مباحث انسانی و معارف دینی از عقلی و نقلی و عرفانی و فلسفی و حکمت متعالیه و اخلاقی و اجتماعی و اقتصادی و غیرها بحث شده است. مپنداری که این سخن بانص خود آن جناب در دیباچه تفسیر تناقض دارد که فرمود: قد اجتنبنا فيها عن أن نرکن إلى حجة نظرية فلسفية أو الی فرضية علمية، او الی مکاشفة عرفانية، که هر دو به حق سخن گفتیم. چنانکه باز خود معظم له در آخر دیباچه فرمود: ثم وضعنا أبحاثنا مختلفة فلسفية و علمية و تاريخية و اجتماعية و اخلاقية.

### از زبان خود استاد

صبح روز سه شنبه بیست و پنجم شعبان المعظم ۱۳۸۷ هـ ق (۷ آذر ۱۳۴۶ هـ ش) در محضر مبارک جناب استاد علامه طباطبائی مدظله العالی تشرّف حاصل کردم، سخن از زمان تحصیل و کارهای علمی معظم له به میان آمد. فرمودند: من انتظار آمدن بهار و تابستان را می‌بردم، چه در آن دو فصل چون شبها کوتاه بود شب را به مطالعه و نوشتن به روز می‌آوردم و در روز می‌خواندم. سپس درباره تفسیرش فرمودند: من اول در روایات بحار بسیار فحص و تتبع کردم که از این راه کاری کرده باشیم و درباره روایات تألیفی در موضوعی خاص داشته باشیم، بعد در تلفیق آیات و روایات زحمت بسیار کشیده ایم تا اینکه بفکر افتادیم بر قرآن تفسیری نویسیم ولی چنین می‌پنداشتم که چون قرآن بحر بی پایان است اگر به همه آن بپردازیم مبادا توفیق نیابیم، لذا آنچه از قرآن در اسماء و صفات الهی و آیات معاد و از این گونه امور بود جدا کردیم که هفت رساله مستقل در هفت موضوع تألیف کرده ایم، تا اینکه به تفسیر قرآن اشتغال ورزیدیم که اکنون چهارده جلد آن طبع و منتشر شده است.

این سخن استاد در آن روز بود، و امروز بحمدالله تعالی توفیق یافت که تفسیر المیزان را در بیست مجلد در مدت بیست سال به اتمام رساند.

سیدحسین بادکوبه‌ای یکی از اساتید بزرگ علامه

روزی در محضر مبارکش در ولایت و امامت سؤالاتی عنوان کردم تا اینکه سخن از آیه کریمه «و اذابتلی ابراهیم ربه بکلمات فأتمهن قال إني جاعلك للناس إماماً قال و من ذریتی قال لا ینال عهدی الظالمین (بقره، ۱۲۵) به میان آمد. به حضورش عرض کردم جناب عالی در تفسیر در وجه استفاده از آیه بر عصمت امام، بیانی از بعضی اساتیدتان نام برده اید: «وقد سئل بعض اساتیدنا رحمة الله علیه: عن تقریب دلالة الآیة علی عصمة الامام، فأجاب - الخ» (المیزان، ج ۱، ص ۲۷۷). این استاد کدام بزرگوار است؟ فرمود مرحوم آقا سیدحسین بادکوبه‌ای. راقم گوید که دیگر اساتید ما هم: آیات عظام حاج شیخ محمدتقی املی و آقا سیدمحمدحسن قاضی الهی طباطبائی قدس سرهما از استادشان جناب آقای سیدحسین بادکوبه‌ای به تجلیل و تعظیم نام می‌بردند.

آن جناب آقا سیدحسین بن رضابن سیدموسی حسینی بادکوبی لاهیجی (نه لاهیجی) است. در ۱۲۹۳ هـ ق در قریه خود دلان بادکوبه متولد شده است. وی یکی از اعظام تلامذه جناب آقا میرزاهاشم اشکوری و آقا میرزا ابوالحسن جلوه و آقا علی مدرس صاحب بدایع الحکم و آخوند خراسانی صاحب الکفایه و شیخ محمدحسن مامقانی، رضوان الله تعالی علیهم، و از مفاخر علمای متأخرین و متحلی به ملکات فاضله انسانی بود. در ۲۸ شوال ۱۳۵۸ هـ ق در نجف اشرف به جوار رحمت الهی پیوست، و او را تألیفاتی در معقول و منقول است.

شرح حکمت الاشراق قطب شیرازی، تقریرات درس خواجه است

در شب جمعه ۱۳ ذی الحجه ۳۸۹ هـ ق (۱۲/۱/۱۳۴۸ هـ ش) که با تئ چند از افاضل حوزه از محضر پر فیض استاد علامه طباطبائی استفاضه می‌کردیم، پس از اتمام جلسه در معیت آن جناب در اثنای راه بودم، اظهار داشتند که مرحوم استاد ما آقا سیدحسین بادکوبه‌ای بطور منجز و قطع می‌فرمودند که شرح حکمة الاشراق قطب (شرح علامه قطب شیرازی بر حکمة الاشراق شیخ سهروردی) تقریرات درس خواجه نصیرالدین طوسی قدس سره است. و خواجه مشرب اشراق داشت، در حکمت اشراقی بود. چنانکه در مبحث علم اشارات، به خلاف شرطش در اول کتاب با مبنای مشاء مخالفت کرد، و علم را به طریق اشراق که فاعل بالرضا باشد تقریر کرد.

تحصیلات ریاضی

و نیز در شب پنجشنبه بیستم ذی القعدة ۱۳۹۷ هـ ق (۱۲/۸/۱۳۵۶ هـ ش)، بعد از انقضای جلسه در اثنای راه به مناسبتی سخن از ریاضیات به میان آمد. فرمودند: استاد ما آقا سیدحسین بادکوبه‌ای در نجف به ما امر فرمود که تحریر اقلیدس را بخوانیم. مدت دو سال و خرده‌ای در محضر آقا سید ابوالقاسم خوانساری تحریر مذکور و ریاضیات می‌خواندیم. فرمودند: مرحوم آقا سید ابوالقاسم خوانساری در ریاضیات بسیار متبحر بود حتی از دانشگاه سؤالاتی برای او می‌فرستادند، در معادلات جبر و مقابله یکی از متبحرین بود.

تدریس علم هیأت در قم

وقتی جناب استاد علامه طباطبائی به اینجناب فرمودند: در اوائل که از تبریز به قم آمدم شرح چغمنی را تدریس می‌کردم. شرح چغمنی از کتب هیأت است. مابین آن محمودبن محمدبن عمر چغمنی مؤلف قانونچه در طب است. و شارح آن قاضی زاده رومی است. شارح از راصدین رصدخانه سمرقند است و در عمل زیج الغ بیگی سهمی بسزا دارد. این کتاب در ترتیب تدریسی و کلاسیکی فن هیأت از متوسطات است.

نصب دائره هندیه در مدرسه حجتیه قم

اینجناب در دوشنبه ۲۵ جمادی الاولی سال ۱۳۸۳ هـ ق (۲۲ مهر ۱۳۴۲ هـ ش) به قصد اقامت در قم، از تهران مهاجرت کرده است، در همان اوان محصلین مدرسه حجتیه قم برایم حکایت کردند که در يك گوشه حوض مدرسه نامبرده جناب علامه طباطبائی، دائره هندیه برای تعیین سمت قبله و تشخیص خط نصف النهار که زوال ظهر از آن در هر روز معلوم می‌گردد به افق قم، کار گذاشته‌اند، که متأسفانه در حفظ آن کوتاهی شد و چنان اثر علمی عملی ضایع گشت.

ترك تبریز و اقامت در قم و استخراج با قرآن

پس از تحصیل مقدماتی و سطوح در تبریز در ۱۳۴۴ هـ ق (۱۳۰۴ هـ ش) به نجف اشرف مهاجرت کردند و در محضر اساتید بزرگ چون آیات عظام: حاج سیدعلی آقای قاضی طباطبائی و آقا سیدحسین بادکوبی، و آقا سید ابوالحسن اصفهانی، و آقا محمدحسین کمپانی و آقامیرزا حسین نائینی و آقا سید ابوالقاسم خوانساری، به مقامات بلند فنون علمی و عملی نائل آمد، و پس از

ده سال اقامت در نجف در ۱۳۵۴ هـ ق (۱۳۱۴ - هـ ش) به تبریز مراجعت فرمودند و چند سال در تبریز به تدریس و تألیف اشتغال داشتند تا در سنه ۱۳۶۵ هـ ق، قصد عزیمت قم فرمودند و تبریز را ترك گفتند، در قم اقامت فرمودند. تفسیر قرآن کریم و تدریس علوم عقلی و اصول معارف حقّه الهیه را در قم تأسیس فرمودند، و تاکنون که یکشنبه ۲۵ شعبان المعظم ۱۴۰۱ هـ ق (۷ تیر ماه ۱۳۶۰ هـ ش) است، محفل مبارکش معقل ارباب عقول، و مجلس مقدسش مدرس اصحاب علوم است، ادام الله تعالی اعوام افاضاته. هر چند بسیاری از افراد حوزه علمیه قم محضر انورش را ادراك کرده اند، ولی جمعی را حظ توفیق حضور بود، و فریقی را نصیب اطلاع به صورت اصطلاحات، و بعضی را نیل عروج بمعارج علمی، و طایفه ای را میل به سیر و سلوک عملی، و قلیلی را وصول به منقبتین علم و عمل.

وقتی جناب استاد علامه طباطبائی برای این داعی حکایت فرمود که: چون از تبریز عزم مهاجرت به قم کردم با قرآن مجید استخاره نمودم این آیه کریمه آمد: هنالك الولاية لله الحق هو خير ثواباً و خیر عقباً، (کهف، ۴۴).

### حاج میرزا سیدعلی قاضی طباطبائی

یکی از اساتید بزرگ جناب استاد علامه طباطبائی مدظله العالی، آیه الله العظمی، عارف عظیم الشان، فقیه عالی مقام، صاحب مکاشفات و کرامات، مرحوم حاج سیدمیرزا علی آقای قاضی تبریزی (۱۲۸۵-۱۳۶۶ هـ ق) در نجف بود. قاضی از اعجوبه های دهر بود، نجل جلیل او مصداق الولد سرآیبه، آقا سیدمهدی قاضی طباطبائی، رحمة الله علیه، و مرحوم آیه الله شیخ محمدتقی آملی رضوان الله علیه، و جناب علامه طباطبائی مدظله العالی، و برادر ماجد آن جناب آیه الله آقا سیدمحمدحسن الهی قاضی طباطبائی قدس سره که هر يك را بر این بنده حقی عظیم است. از آن جناب وقایعی شگفت یادداشت داریم که نقل آنها را به زمان فرصت موکول می کنیم. یکی از کلمات دل نشین مرحوم حاج سیدعلی قاضی این است که: اگر انسان نصف عمر خود را در پیدا کردن کامل صرف کند جا دارد.

### میرزای شیرازی و میرزا حسین قاضی

در شب پنجشنبه ۲۱ رجب المرجب ۱۳۸۷ هـ ق (۱۳۴۶/۸/۳ هـ ش)، از محضر مبارک استاد علامه طباطبائی با تنی چند از افاضل دوستان استفاده می کردیم، در حاشیه جلسه

درس سخن از استادش مرحوم آقای قاضی و اساتید و شاگردانش به میان آمد، از آن جمله فرمودند: آن مرحوم اساتید بسیار دیده است - و چند نفر را نام برده است - تا این که فرمودند: پدر او مرحوم حاج میرزا حسین قاضی تفسیر سورۀ فاتحه و سورۀ انعام نوشته است و من دیدم، ولی اکنون نمی دانم در دست کیست. و فرمودند: حاج میرزا حسین قاضی از شاگردان مرحوم میرزای شیرازی بود. و چون از نزد میرزا خواست خدا حافظی کند و به تبریز برود، مرحوم میرزا به او گفت: حالا که می روی شب و روزی يك ساعت به خود پرداز. بعد از چندی که مرحوم میرزا از دیگران درباره مرحوم حاج میرزا حسین قاضی حال پرسید در جواب گفتند: آقا، آن يك ساعت تبدیل به ۲۴ ساعت شد که همواره در مراقبت و حضور و عزلت بود. اما عزلتی که:

### هرگز حدیث حاضر و غائب شنیده ای

من در میان جمع و دلم جای دیگر است  
راقم گوید که: در صبح روز پنجشنبه ۲۰ شعبان المعظم ۱۳۸۷ هـ ق (۲ آذر ۱۳۴۶ هـ ش) در قم به حضور شریف مرحوم آیت الله حاج سیدحسین قاضی طباطبائی پسر عموی آیت الله حاج میرزا سیدعلی قاضی قدس سره تشرّف حاصل کردم. مطالبی از آن جناب یادداشت کردم؛ از آن جمله موضوع مراقبت و حضور دائمی مرحوم حاج سیدحسین قاضی و گفتار میرزای شیرازی با ایشان بود، چنانکه از استاد علامه طباطبائی نقل کرده ایم.

در این واقعه شیرین دل نشین هم باید از تأثیر نفسانی مرحوم میرزای شیرازی سخن گفت و هم از قابلیت مرحوم میرزا حسین قاضی که هم فاعل در فاعلیت تام بود و هم قابل در قابلیت. تأثیر نفوس کامله در نفوس مستعده این چنین است. و از جمله مطالبی که افاده فرمودند - چون خود اهل دعا بود و حشر با کتب ادعیه داشت - این که همه حروف مشدده در دوائر اباجد یکی حساب می شود مگر کلمه جلاله که لام مکرر محسوب می گردد و عدد آن ۶۶ است.

در شب چهارشنبه ۲۷ ذی الحجه ۱۳۴۷ هـ ق، به حضور شریف آیت الله استاد علامه طباطبائی تشرّف یافتیم، تا سخن بدینجا رسید که فرمودند: آقا از این گونه امور حقیقی هر چه داریم از مرحوم آقای قاضی داریم، چه آنچه را که در حیاتش از ایشان تعلیم گرفتیم و از محضرش استفاده کردیم، و چه آنچه را که به طریقی خودمان داریم از مرحوم قاضی گرفتیم.



همگان تمام باشد، ذلك فضل الله يؤتیه من یشاء والله ذو الفضل العظیم.

قم، ۲۸ شعبان ۱۴۰۱ هـ ق (۱۰ خرداد ۱۳۶۰ هـ ش)

المیزان فی تفسیر القرآن مفصلترین و مهمترین تألیف استاد علامه شادروان سید محمد حسین طباطبایی است. اصل این تفسیر به عربی، در بیست مجلد نوشته شده و تألیف آن در رمضان ۱۳۹۲ به پایان رسیده است. ترجمه فارسی این اثر بالغ بر چهل جلد است که به همت جمعی از اساتید فاضل حوزه علمیه قم، از جمله آقایان ناصر مکارم شیرازی، محمد جواد حجتی کرمانی، محمد تقی مصباح یزدی، محمد رضا صالحی کرمانی، سید محمد خامنه‌ای، عبدالکریم بروجردی و سید محمد باقر موسوی همدانی، اکثر مجلدات آن به فارسی در آمده. ناشر متن عربی دارالکتب الاسلامیه در تهران، و مؤسسه الاعلمی در بیروت، و ناشر ترجمه فارسی تا جلد دهم مؤسسه دارالعلم قم و از آن به بعد کانون انتشارات محمدی تهران است. متن و ترجمه بارها تجدید چاپ شده و محل اعتنای عامه و خاصه در ایران و خارج از ایران است.

المیزان بدون مبالغه مهمترین و جامعترین تفسیر شیعه پس از مجمع البیان طبرسی، و مطلقاً یکی از چند تفسیر عمده و اساسی قرون جدید است. این سخن با تشریح خطوط و خصوصیات عمده این تفسیر بهتر بیان می‌شود.

### روش تفسیر نگاری علامه

اول اینکه علامه طباطبایی، رضوان الله علیه، اساس کار خود را بر قاعده متین «تفسیر قرآن به قرآن» قرار داده‌اند و همواره سررشته «إِنَّ الْقُرْآنَ يُفَسِّرُ بَعْضُهُ بَعْضًا» - همانا بعضی از آیات و عبارات قرآن روشنگر بعضی دیگرست - را در دست داشته‌اند؛ در عین اینکه قرآن را از آغاز تا انجام، سوره به سوره و آیه به آیه تفسیر کرده‌اند، موضوعات مشابه و مشترك را که در سوره‌های مختلف با عبارات مشابه یا متفاوت تکرار شده، همه را ماهرانه در کنار یکدیگر آورده و تحت یک بحث جامع حلاجی کرده‌اند، و این شیوه را نه فقط در مورد قصص قرآن، بلکه در سایر موضوعات اعتقادی و عبادی نیز به کار برده‌اند. فی المثل بحث از خلقت آدم یا حقیقت بهشت و دوزخ یا شفاعت یا حرمت خمر را یک بار به‌نحو جامع، با استفاده از تمامی آیات مربوط به آنها مطرح

در آن مقاله نکته‌ای بسیار بلند قریب به این مضمون افاده فرمود که در میان جمیع صحابه رسول الله (ص) از کسی جز امیرالمؤمنین علی علیه السلام در بیان معارف حقّه الهیه صاحب این همه گفتار بدین صورت که نهج البلاغه نمونه بارز آنست نقل نشده است و احدی نشان نداده است.

جناب استاد علامه طباطبائی مدظله العالی، در صدر آن رساله وجیز عزیز، علی و الفلسفة الالهیه اصلی بقایت قویم، و مطلبی بنهایت عظیم به عنوان «الدین و الفلسفه» اهدا فرموده است که: حقاً إنه لظلم عظیم أن یفرق بین الدین الالهی، و بین الفلسفة الالهیه. این کلامی صادر از بطنان عرش تحقیق است که: هر کس شنید گفتنا لله درقائل. آری، دین الهی و فلسفه الهی را جدای از هم داشتن و پنداشتن برآستی ستمی بزرگ است.

معلم ثانی ابونصر فارابی در آخر کتاب قیم خود به نام تحصیل السعاده بیانی شریف در پیرامون فلسفه دارد که منتهی به این نتیجه ارزشمند می‌گردد: فیلسوف کامل امام است. و صدر المتألهین در اسرارالآیات فرماید: «تباً لفلسفة لا تطابق قوانینة قوانین الشرع». و همچنین در اسفار (ج ۴، ص ۷۵) فرمود: «تباً لفلسفة تكون قوانینها غیر مطابقة للکتاب والسنة».

### مقام علامه طباطبائی در تعلیم و تأدیب

این بنده ناچیز حضرت استاد علامه طباطبایی - افاض الله تعالی علینا برکات أنفاسه الشریفه - را در تعلیم و تأدیب چنان یافته است که معلم ثانی ابونصر فارابی در کتاب تحصیل السعاده (ص ۲۹، طبع حیدرآباد دکن) در این دورکن رکین و دو اصل اصیل اعنی تعلیم و تأدیب افاده فرموده است:

«والتعلیم هو ایجاد الفضائل النظرية فی الامم والمدن، والتأدیب هو طریق ایجاد الفضائل الخلقية والصناعات العلمیه فی الامم. والتعلیم هو بقول فقط، والتأدیب هو أن یعود الامم والمدنیون الافعال الكائنة عن الملكات العلمیه بأن تهض عزائمهم نحو فعلها و أن تصیر تلك و أفعالها مستولیة علی نفوسهم و یجعلوا کالعاشقین لها».

هر يك از تألیفات جناب استاد علامه طباطبایی در این دو اصل مذکور حائز اهمیت بسزا و حاوی نقادیهای دقیق و عمیق است. به حقیقت آن جناب در تعلیم و تأدیب نفوس مستعدّه در دانشگاه معارف عالیّه حقّه الهیه، حوزه علمیه قم، در زمانی که علائق به امور طبیعی ولدائد مادی دامنگیر اکثر شده است، لطفی است از جانب خداوند متعال که ارزانی داشته شده تا حجت بر

## — درباره تفسیر المیزان —

کرده‌اند و در سایر موارد خوانندگان را به آن بحث اصلی ارجاع داده‌اند. استاد بزرگوار خود در مقدمه تفسیر به این نکته اشاره دارند و می‌فرمایند:

«روشی که ما در پیش گرفته‌ایم این است که قرآن را با قرآن تفسیر کنیم و توضیح آیه را به وسیله تدبر و دقت (که قرآن به آن دستور داده) از آیه دیگر بخواهیم و مصادیق را به وسیله خواصی که خود آیات به دست می‌دهند بشناسیم، همان‌طور که قرآن صریحاً می‌گوید: *إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ* (یعنی قرآن را برای بیان همه چیز بر تو نازل کردیم) چطور می‌توان قبول کرد که قرآن بیان هر چیز باشد اما بیان خودش نباشد، با اینکه خدا در باره قرآن فرموده *هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ* (قرآن مایه هدایت مردم و روشن و روشنگر راه هدایت و میزان سنجش حق و باطل است) و باز می‌فرماید: *أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ نُورًا مُّبِينًا* (نور آشکار به سوی شما فرستادیم) چگونه ممکن است قرآن مایه هدایت و میزان سنجش حق و باطل و روشن و روشنگر برای عالمیان باشد ولی در موضوع فهم خود آیات قرآن، که جهانیان احتیاج شدید به آن دارند آنها را مستغنی نسازد؟»

و در دنباله همین مطلب اضافه کرده‌اند:

«آنچه از مطالعه در پیرامون حالات پیغمبر اکرم (ص) و اهل بیت گرامی‌اش (علیهم‌السلام) استفاده می‌شود این است که روش آن بزرگواران در تفسیر آیات نیز همواره چنین بوده است... همچنین اهل بیت گرامی‌اش که در این جهات جانشین او هستند همواره در تفسیر و تعلیم آیات به خود آیات استشهاد می‌کردند و ما در طی بحث‌های آینده (یعنی در طول تفسیر) کلمات ایشان را در تحت عنوان بحث روائی یا روایتی نقل کرده‌ایم، و می‌بینیم حتی در یک مورد آن بزرگواران به دلایلی عقلی و فرضیه‌های علمی، برای تفسیر آیات دست نزده‌اند.

علی‌علیه‌السلام در یکی از خطبه‌های نهج‌البلاغه چنین می‌فرماید: «قرآن طوری است که یک قسمت از آن از قسمت دیگر سخن می‌گوید، و پاره‌ای از آن گواه پاره دیگر است». بنابراین راه صاف و روشنی که معلم‌ان قرآن علیهم‌السلام آن را پیموده‌اند این

راه است و بس، و ما هم تا آنجا که می‌توانیم این روش را دنبال کرده‌ایم.»

\*\*\*

ویژگی دیگر تفسیر المیزان در این است که به روایت یعنی نقل احادیث و اخبار صحیح از پیامبر (ص) و صحابه و ائمه معصومین اعتنا و اهتمام تمام نشان داده و در ذیل هر بخش از تفسیر، پس از نقل آیات و توضیح لغوی و ادبی و بیان مراد هر آیه با شیوه «قرآن به قرآن»، فصلی تحت عنوان بحث روایی به نقل و نقد روایات از منابع خاصه و عامه اختصاص داده‌اند. و شأن نزول آیات را غالباً در همین بخش آورده‌اند.

اهتمام شادروان علامه طباطبایی در این باب ناظر به این واقعیت است که تفسیر قرآن در آغاز، یعنی در عهد پیامبر (ص) و صحابه و ائمه و تابعین و عمدتاً تا قرن سوم، در حیطه حدیث قرار داشت. خود حضرت رسول (ص) نخستین مفسر قرآن بودند و چنانکه در تمامی کتب حدیث ضبط است بارها صحابه مشکلات خود را در فهم آیات و عبارات قرآن از ایشان می‌پرسیدند و حضرت پاسخ می‌گفتند. این پاسخها ابتدا مانند سایر احادیث و سخنان پیامبر (ص)، شفاهی نقل می‌شد، و سپس از اول قرن دوم که امت اسلام به اهمیت حیاتی ضبط احادیث واقف شد، در مجموعه‌های حدیث ثبت و تدوین گردید. حضرت علی (ع) که به «کتاب الله الناطق» و «صدر المفسرین» معروف بود، در طی مصاحبت‌های مدیدی که سالها با نبی اکرم (ص) داشت به تمامی رموز و شیوه حل مشکلات قرآن، بویژه مشابهاات، آشنا شده بود و چنانکه محدثان نقل کرده‌اند می‌فرمود: «اگر بخواهم تفسیری بر سوره حمد می‌نگارم به اندازه هفتاد بار شتر». از دیگر صحابه عبدالله بن عباس و عبدالله بن مسعود به کثرت روایت تفسیری مشهورند. ائمه معصومین نیز که جای خود دارند و بخش عمده اخباری که از آنان روایت شده، در زمینه قرآن و تفسیر قرآن است. تابعین (یعنی یاران و پیروان صحابه) احادیث تفسیری را از صحابه فرا گرفتند. از معروفترین تابعین در این زمینه،